

هو العليم

حديث امام رضا عليه السلام راجع به شرايط امام

حضرت علامه آية الله حاج سيد محمد حسين حسيني طهراني

امام شناسی، جلد ۲

بسم الله الرحمن الرحيم

مرحوم محمد بن یعقوب کلینی^۱ حدیث می کند از عبد العزیز بن مسلم که او گفت: ما با حضرت رضا علیه السلام در مرو بودیم و در بدو ورود در مسجد جامع مرو در روز جمعه‌ای به جماعت رفتیم. در آنجا از امر امامت بسیار سخن به میان رفت و اختلافات مردم را در این موضوع بیان می کردند. پس از آن من بر حضرت رضا علیه السلام وارد شدم و او را از بحث و خوض مردم در امر امامت مطلع نمودم.

آن حضرت تبسمی فرمود و سپس گفت: ای عبد العزیز این مردم جاهلند و به آراء و افکار خود گول خورده‌اند. خداوند عز و جلّ جان پیغمبر خود را نگرفت مگر آنکه دین او را کامل نمود و قرآن را بر او فرو فرستاد که ﴿فِيهِ تَبْيَانٌ كُلِّ شَيْءٍ﴾. در قرآن حلال و حرام بیان شده و حدود و احکام و جمیع آنچه که مردم بدانها نیازمندند همه را بیان فرموده، فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ﴾.^۲

و در حجة الوداع که آخر عمر حضرت رسالت بود این آیه را فرستاد: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ اَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمُ الْاِسْلَامَ دِينًا﴾.^۳ و امر امامت از تمامیت دین است و پیغمبر از دنیا نرفت مگر آنکه برای امت خود معالم دین آنها را بیان فرموده و روشن ساخت و راه سلوک آنها را نشان داد و بر راه حق آنها را برقرار کرد و برای آنها علی علیه السلام را راهنما و امام قرار داد، و تمام چیزهایی را که امت بدانها محتاج هستند روشن ساخت. پس کسی که گمان کند خداوند عز و جلّ دین خود را کامل ننموده است کتاب خدا را رد کرده و کسی که کتاب خدا را رد کند به خدا کافر شده است. آیا آنها قدر و منزلت امام را می دانند و محل و مکانت او را می شناسند تا بتوانند برای خود امام اختیار کنند؟

انّ الامامة اجلّ قدرًا و اعظم شأنًا و اعلی مکانًا و امتع جانبًا و ابعده غورًا من ان يبلغها الناس بعقولهم او ينالوها بارائهم او يقيموا امامًا باختيارهم. «امامت قدرش بزرگتر و شأنش عظیم تر و درجه اش عالی تر و از دسترس مردم دورتر و رسیدن به حقیقت او مشکل تر است از آنکه مردم بتوانند با عقل های خود بدان برسند یا به آراء خود بدان دست یابند یا به اختیار خود امامی را تعیین کنند».

^۱ اصول کافی، ج ۱، ص ۱۹۸

^۲ سوره الأنعام (۶) آیه ۳۸

^۳ سوره المائدة (۵) آیه ۳.

امامت مقامی است که خداوند عزّ و جلّ به حضرت ابراهیم بعد از اعطای نبوت و خلّت، در درجه سوّم عنایت فرمود، و فضیلتی است که خدا او را بدان مشرف فرمود و بدان فضیلت ثنا و مدح خود را بر آن پیغمبر بیان کرد ﴿فَقَالَ أَنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا﴾. «من ترا برای مردم امام قرار دادم». و از مسرتی که ابراهیم از این خطاب پیدا نمود عرض کرد: ﴿وَمِنْ ذُرِّيَّتِي﴾؟^۲ «آیا این منصب امامت نصیب ذرّیّه من نیز می‌گردد؟» خداوند تبارک و تعالی فرمود: ﴿لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾.^۳ «عهد من به ستمکاران نخواهد رسید». پس این آیه، امامت هر ظالمی را تا روز قیامت باطل نمود و امامت مخصوص به پاکان و برگزیدگان شد.

سپس خداوند ابراهیم را گرامی داشته، و امامت را در آن طبقه از ذرّیّه او که اهل طهارت و صفوت بودند قرار داد و فرمود:

﴿وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً وَكُلًّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ * وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ﴾.^۴ و پیوسته و همیشه امامت در ذریه ابراهیم بود بعضی از بعضی قرنا بعد قرن ارث می‌بردند تا آنکه خدا آن را به پیغمبر اکرم میراث داد و فرمود جل و علا: ﴿إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ﴾.^۵

پس این امامت اختصاص به رسول الله پیدا کرد و آن حضرت آن را به علی علیه السلام سپرد به امر خداوند تعالی طبق ما فرض الله و سپس در ذرّیّه پاک و اصفیای از اولاد آن حضرت آنهایی که به آنها علم و ایمان داده شد، قرار گرفت. خداوند تعالی فرمود:

﴿وَقَالَ الَّذِينَ آوْتُوا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ لَقَدْ لَبِئْتُمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِلَى يَوْمِ الْبَعْثِ﴾.^۶

پس آن امامت فقط در اولاد علی علیه السلام است تا روز رستاخیز چون پیغمبری بعد از محمد صلی الله علیه و آله و سلم نیست. بنابراین از کجا این جهال امام اختیار می‌کنند؟ به درستی که امامت

^۱ سوره البقرة (۲) آیه ۱۲۴.

^۲ سوره البقرة (۲) آیه ۱۲۴.

^۳ سوره البقرة (۲) آیه ۱۲۴.

^۴ سوره الأنبياء (۲۱) آیه ۷۲ و ۷۳.

^۵ سوره آل عمران (۳) آیه ۶۸.

^۶ سوره الروم (۳۰) آیه ۵۶.

منزله و مقام پیمبران و ارث اوصیاء است. امامت خلافت خدا و جانشینی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و مقام امیر المؤمنین علیه السلام و میراث حسن و حسین علیهما السلام است. امامت زمامداری دین و نظام مسلمین و موجب صلاح دنیا و عزت مؤمنین است. امامت ریشه و اساس زنده، و شاخه‌های بلند اسلام است. به امام است که نماز کامل و تمام می‌شود و زکات و روزه و حج و جهاد هر یک موقعیت و تمامیت خود را حائز می‌گردند، و نیز موجب زیادی فیء و صدقات و به جریان انداختن حدود و احکام و منع سرحدات و اطراف است از دستبرد تعدیات.

امام حلال خدا را حلال و حرام خدا را حرام می‌گرداند و حدود خدا را اجرا می‌نماید و دست دشمنان و متجاوزان را از حریم دین خدا دور می‌دارد و با حکمت و پندهای نیکو مردم را به راه خدا می‌خواند. امام مانند شمس عالمتاب است که طلوع نموده و جهان را به نور خود روشن می‌نماید، و او بر فراز افق مکان و منزلتی دارد که دستها و چشمها را یارای وصول به آن نیست، امام ماه شب چهارده و نور دهنده دلها است و چراغ رخشان و نور بلند و نمایان و ستاره راهنما در قطعات تاریکی‌های شدید و در وسط بیابان‌ها و زمین‌های خشک و سوزان و در لجه‌های دریاها است، امام آب شیرین است در تشنگی و راهنما است بر راه سعادت و نجات دهنده است از سقوط و هلاکت، امام آتشی است بر فراز تپه‌ها و موجب حرارت است برای افرادی که خود را بدان گرم می‌کنند و راهنما و دلیل است در مواضع هلاکت، کسی که از امام جدا شود هلاک گردد. امام ابر پر باران و باران درشت و فراوان و خورشید نور دهنده و آسمان رحمت سایه گستر و زمین صاف و بی‌خاشاک و چشمه پر آب حیات و منبع آب و گلستان فضائل است. امام انیسی است با مهر و شفقت، و پدری است با رحمت و عطوفت و برادری است عدیل و مهربان و چون مادری است با کودک خردسال خود نیکو و رؤف، و ملجأ و پناه بندگان است در شدائد و مهمات. امام امین خدا است بر آفریدگان او و حجت اوست بر بندگان او و خلیفه اوست در بلاد او، و دعوت کننده مردمان است به سوی او، و منع کننده مفاسد و موانع است از حرم او، امام از هر گناهی منزّه و از هر عیب و نقصی مبری است.

خداوند او را مخصوص به علم نموده و موسوم به حلم فرموده است و نظام دین و عزت مسلمین و قهر و غضب بر منافقین و هلاکت کافرین است. امام یگه و فرید زمان است که هیچ کس را یارای نزدیکی به مقام او نیست و هیچ دانشمندی هم طراز و هم رتبه او نه، و نه از برای او بدلی یافت شود و نه مثل و مانندی، خداوند بخشاینده و کرم کننده او را بدین فضائل بدون طلب و اکتساب مخصوص گردانیده است. بنابراین چه کسی را قدرت معرفت امام است، یا می‌تواند او را اختیار کند هیئات

هیئات!

عقول در اینجا گم می‌شود و دلها متحیر می‌گردد و خردها عاجز و سرگردان می‌ماند و چشمها فرو می‌خوابد. بزرگان کوچک می‌شوند و حکیمان متحیر می‌گردند و حلیمان کوتاه می‌گردند و خطیبان محدود و محصور می‌شوند و خردمندان به جهل اعتراف می‌کنند و شاعران لال می‌گردند و ادیبان ناتوان می‌شوند و بلیغان عاجز می‌گردند از توصیف شأنی از شئون امام یا فضیلتی از فضائل او، و همه و همه اقرار به عجز و اعتراف به تقصیر می‌نمایند. و چگونه تمام صفات و فضائل او را می‌توان وصف کرد یا از کنه و ذات او سخنی گفت یا چیزی از شئون او را ادراک کرد یا بتوان کسی را بر مسند او نشانند که مانند امام بهره دهد و بی‌نیاز کند؟ نه، چنین نمی‌شود چگونه و به چه کیفیت بتوان چنین کاری کرد؟ در حالی که او مانند ستاره‌ای است بر فراز آسمان، کجا می‌توانند مردم او را به دست گیرند، و توصیف کنندگان از حقیقت اوصاف او سخنی گویند؟ با این حال مردم کجا می‌توانند امام را اختیار کنند و عقلها کجا می‌تواند این حقیقت را درک کند و کجا می‌تواند مانند امام کسی دیگر پیدا شود؟

آیا شما چنین گمان می‌برید که امامت در غیر آل رسول الله محمد بن عبد الله صلی الله علیه و آله و سلم یافت می‌شود؟ سوگند به خدا که نفس‌های آنها به آنان دروغ گفت و امانی و آرزوهای باطل در دل‌های آنان جا گرفت و بنابر این بر مکان سخت و مرتفعی، و بر نردبان لرزان و صعبی بالا رفتند که ناگهان قدمهای آنان از فراز به پائین بلغزید. آنها چنین خواستند که امام را با عقل‌های ناقص و پریشان و گرفتار هوی و هوس خود تعیین کنند و با آراء گمراه کننده خود نصب نمایند پس هر چه بیشتر کوشیدند بیشتر دور شدند ﴿قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ﴾^۱. و حقا قصد مطلب صعبی نمودند و با افک و دروغ سخن گفتند و گمراه شدند گمراهی آشکاری و در حیرت و سرگردانی در افتادند؛ زیرا با بصیرت امام را ترک گفتند، ﴿وَرَبِّينَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَكَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ﴾^۲. از اختیار خدا و اختیار رسول خدا و اهل بیت رسول خدا اعراض نموده و به اختیارات خود گرویدند در حالی که قرآن به اعلی صوت ندا در می‌دهد: ﴿وَ رَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَ يَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ تَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾^۳. و نیز خدای عز و جل فرمود: ﴿وَ مَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَ لَا مُؤْمِنَةٍ اِذَا قَضَى اللَّهُ

^۱ سوره التوبة (۹) آیه ۳۰

^۲ سوره العنكبوت (۲۹) آیه ۳۸.

^۳ سوره القصص (۲۸) آیه ۶۸

وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ^۱ و نیز فرمود: ﴿مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ * أَمْ لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ * أَنْ لَكُمْ فِيهِ لَمَا تَخَيَّرُونَ * أَمْ لَكُمْ إِيْمَانٌ عَلَيْنَا بَالِغَةٌ إِلَى يَوْمِ الْاٰقِيْمَةِ إِنَّ لَكُمْ لَمَا تَحْكُمُونَ * سَلُّهُمْ أَيُّهُمْ بِذٰلِكَ زَعِيْمٌ * أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ فَلْيَأْتُوا بِشُرَكَائِهِمْ إِنْ كَانُوْا صَادِقِيْنَ﴾^۲ و نیز خداوند عزّ و جلّ فرمود: ﴿اَفَلَا يَتَذَكَّرُوْنَ اَلْقُرْآنَ اَمْ عَلٰى قُلُوْبٍ اَفْهٰمٌۙۢ۳ يَا اَنكٰه طَبَعَ اللّٰهُ عَلٰى قُلُوْبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُوْنَ﴾؛ یا اَنكٰه ﴿قَالُوْا سَمِعْنَا وُ هُمْ لَا يَسْمَعُوْنَ * اِنَّ شَرَّ الدّٰوَابِّ عِنْدَ اللّٰهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِيْنَ لَا يَعْقِلُوْنَ * وَ لَوْ عَلِمَ اللّٰهُ فِيْهِمْ خَيْرًا لَّاسْمَعَهُمْ وَ لَوْ اَسْمَعَهُمْ لَتَوَلّٰوْا وَ هُمْ مُّعْرِضُوْنَ﴾^۴ یا اَنكٰه ﴿قَالُوْا سَمِعْنَا وَ عَصَيْنَا﴾^۵.

بلکه امامت فضل خداست، کسی را که بخواهد می دهد و خداوند دارای فضل عظیمی است. چگونه برای آنان اختیار تعیین امام است؟ در حالی که امام عالمی است که برای او هیچ چیز مجهول نیست و نگهبان و حافظی است که به هیچ وجه فتور و سستی در او پیدا نمی شود. معدن قدس و طهارت است، و چشمه تقوی و زهدات، و علم و عبادت، اختصاص یافته به دعوت رسول، و نسل پاک بتول، در نَسَب او گفتگو و طعنی نیست، و هیچ ذی حسب و اعتباری را یارای نزدیکی به مقام او نه. از بیت قریش است و از خاندان بلند مرتبه هاشم و از عترت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و الرِّضَا مِنَ اللّٰهِ عَزَّ وَ جَلَّ. از تمام اشراف شریف تر و شاخه ای از عبد مناف. علمش پیوسته زنده و بیدار، حلمش کامل و استوار، در انجام وظائف امامت قادر و توانا است، و بر سیاست عالم و دانا، پیروی او از ناحیه خدا بر همه خلق واجب آمده، و به امر خداوند عزّ و جلّ قائم شده، نصیحت کننده بندگان خداست، و نگهدارنده دین و آیین خدا. خداوند به انبیاء و ائمه صلوات الله علیهم توفیقی خاصّ عنایت نموده و از خزانه علم و حکم خود چیزهایی به آنان مرحمت فرموده است که به دیگران نداده، بنابراین علم آنها عالی تر و رفیع تر از علم تمام اهل زمان است. خدا می فرماید: ﴿اَفَمَنْ يُّهْدٰى اِلٰى الْحَقِّ اِحْقَ اَنْ يُنَّبِّعَ اَمْ مَنْ لَا يَهْدٰى اِلَّا اَنْ يُّهْدٰى فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُوْنَ﴾^۶. و نیز فرماید: ﴿وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ

^۱ سوره الأحزاب (۳۳) آیه ۳۶

^۲ سوره القلم (۶۸) آیه ۳۷ الی ۴۲.

^۳ سوره محمد (۴۷) آیه ۲۴.

^۴ سوره التوبة (۹) آیه ۸۷.

^۵ سوره الأنفال (۸) آیه ۲۱ الی ۲۳.

^۶ سوره البقرة (۲) آیه ۹۳.

^۷ سوره یونس (۱۰) آیه ۳۵.

اوتى خيراً كثيراً^۱ و درباره طالبوت گوید: ﴿انَّ الله اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَ زَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَ الْجِسْمِ وَ الله يُؤْتِي مُلْكُهُ مَنْ يَشَاءُ وَ الله وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾^۲ و به پیمبرش صلی الله علیه و آله و سلم فرموده: ﴿انزَلَ اللهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ عَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ وَ كَانَ فَضْلُ اللهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا﴾^۳ و درباره ائمه از اهل بیت او و عترت او و ذریه او صلوات الله علیهم فرموده است: ﴿اِنَّهُمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ اِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ آتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ بِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ صَدَّ عَنْهُ وَ كَفَىٰ بِجَهَنَّمَ سَعِيرًا﴾^۴

چون بنده‌ای را خدا برای ولایت و سرپرستی امور بندگانندگانش اختیار کند سینه او را برای تحمل این بار، منشرح و گشاده می‌دارد و در دل او چشمه‌های حکمت قرار می‌دهد و پیوسته از علوم خود بدو الهام می‌نماید به طوری که دیگر از جواب فرو نخواهد ماند و از راه صواب حیران و سرگردان نخواهد شد، و بنابراین او به عصمت الهی معصوم و به تایید و توفیق او مؤید و موفق خواهد بود، از هر گونه اشتباهی یا لغزش و خطائی مأمون و مصون خواهد بود. و این مقام را خدا به او اختصاص داده تا بر بندگانندگانش حجّت بوده باشد و بر آفریدگانش شاهد و گواه ﴿وَ ذَلِكَ فَضْلُ اللهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَ اللهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ﴾^۵

آیا کسی می‌تواند این ملکات را داشته باشد و قدرت بر وظائف امامت را دارا باشد تا او را انتخاب کنند؟ یا اینکه مختار و منتخب آنان دارای چنین صفاتی است تا او را مقدم دارند؟ سوگند به بیت الله که از حق تجاوز کردند و کتاب خدا را چنان به پشت سر انداختند گویا که اصلاً بر آن دانا نبودند. در کتاب خدا راه هدایت مشهود و شفای از هر گزند و مصیبتی معلوم بود لکن آنرا به دور انداختند، و از اهواء و خیالات خود پیروی کردند. خداوند آنان را مذمت نموده و وجه بصیرت آنها را برو در افکنده، دیده دل آنان را کور و قلب آنان را هلاک و تباه فرموده است.

قال الله تعالى: ﴿وَ مَنْ اضَلُّ مِمَّنْ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِنَ اللهِ اِنَّ اللهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾^۶

^۱ سوره البقرة (۲) آیه ۲۶۹.

^۲ سوره البقرة (۲) آیه ۲۴۷.

^۳ سوره النساء (۴) آیه ۱۱۳.

^۴ سوره النساء (۴) آیه ۵۳ و ۵۴.

^۵ سوره الجمعة (۶۲) آیه ۴.

^۶ سوره قصص (۲۸) آیه ۵۰.

و نیز فرمود: (فَتَعَسَىٰ لَهُمْ وَ اٰصَلَّ اَعْمَالُهُمْ) ^۱ و نیز فرمود: (كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللّٰهِ وَ عِنْدَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا كَذٰلِكَ

يَطْبَعُ اللّٰهُ عَلٰى كُلِّ قَلْبٍ مُّتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ) ^۲.

و صَلَّى اللّٰهُ عَلٰى النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيْرًا. ^۳

^۱ سوره محمّد (۴۷) آیه ۸.

^۲ سوره غافر (۴۰) آیه ۳۵.

^۳ امام شناسی، ج ۲، ص ۱۰۸.